

عدم به رسمیت شناختن اسرائیل: مسیری به سوی پاسخگویی، برابری و صلح پایدار

مناقشه اسرائیلی-فلسطینی که بیش از هفت دهه ادامه دارد، همچنان یکی از پیچیده‌ترین و از نظر اخلاقی حساس‌ترین مناقشات در تاریخ مدرن است. دولت اسرائیل که تا تاریخ ۱ ژوئن ۲۰۲۵ توسط ۱۶۵ کشور عضو سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده، متهم به نقض سیستماتیک قوانین بین‌المللی، از جمله جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی، به‌ویژه در عملیات نظامی خود در غزه و کرانه باختری شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) و دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) گام‌های بی‌سابقه‌ای برداشته‌اند؛ آفریقای جنوبی پرونده نسل‌کشی علیه اسرائیل را در دیوان بین‌المللی دادگستری پیش برده و دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۲۴ احکام بازداشت برای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، و یوآو گالانت، وزیر دفاع پیشین، صادر کرده است. با وجود این اقدامات، پاسخگویی همچنان دست‌نیافتنی است، عمدتاً به دلیل جایگاه اسرائیل به‌عنوان یک دولت به رسمیت شناخته شده و حمایت‌هایی که از متحدانش مانند ایالات متحده دریافت می‌کند. این مقاله استدلال می‌کند که جامعه جهانی باید گامی جسورانه بردارد: عدم به رسمیت شناختن اسرائیل به‌عنوان یک دولت، قطع تمامی روابط دیپلماتیک و اقتصادی، برچسب زدن به نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) به‌عنوان یک سازمان تروریستی و اعمال صلاحیت جهانی بر جنایتکاران جنگی و تروریست‌های مظنون که وارد قلمروهایشان می‌شوند. این اقدامات نه تنها اسرائیل را پاسخگو می‌کند، بلکه زمین بازی را در مذاکرات صلح هموار می‌سازد، نمایندگان اسرائیلی و فلسطینی را وادار به مذاکره به‌عنوان طرف‌های برابر می‌کند و اسرائیل را مجبور به دادن امتیازاتی برای بازگرداندن مشروعیت بین‌المللی می‌نماید.

۱. استدلال حقوقی و اخلاقی برای عدم به رسمیت شناختن اسرائیل

به رسمیت شناختن دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل، همان‌طور که در کنوانسیون مونته‌ویدئو در سال ۱۹۳۳ ذکر شده، یک اقدام سیاسی اختیاری است، نه یک الزام حقوقی. یک دولت باید دارای جمعیت دائمی، قلمرو مشخص، دولت و توانایی برقراری روابط با دیگر دولت‌ها باشد. اگرچه اسرائیل روی کاغذ این معیارها را برآورده می‌کند، اما اقدامات آن — به‌ویژه اشغال سرزمین‌های فلسطینی از سال ۱۹۶۷، گسترش شهرک‌ها و عملیات نظامی که منجر به تلفات گسترده غیرنظامیان شده — مشروعیت آن را به‌عنوان یک دولت پایبند به هنجارهای بین‌المللی زیر سؤال می‌برد. نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۴ اشغال اسرائیل را غیرقانونی اعلام کرد و پرونده جاری نسل‌کشی در دیوان، که توسط کشورهای مانند آفریقای جنوبی، ترکیه و ایرلند حمایت می‌شود، اجماع رو به رشدی را نشان می‌دهد که رفتار اسرائیل نقض‌های فاحش قوانین بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.

عدم به رسمیت شناختن اسرائیل، جایگاه حاکمیتی آن را سلب می‌کند و حفاظت‌های حقوقی که آن را از پاسخگویی مصون می‌دارند، حذف می‌کند. به‌عنوان یک موجودیت غیردولتی، اسرائیل دیگر از مصونیت حاکمیتی در دادگاه‌های بین‌المللی بهره‌مند نخواهد شد و اقداماتش می‌توانند تحت چارچوب‌های ضدتروریستی به جای قوانین جنگ قضاوت شوند. پیشینه‌های تاریخی وجود دارد: بولیوی در سال ۲۰۲۳ و ونزوئلا در سال ۲۰۰۹ به دلیل اقدامات اسرائیل در غزه، به رسمیت

شناختن آن را پس گرفتند. اگر تعداد زیادی از دولت‌ها این مسیر را دنبال کنند، مشروعیت دولت بودن اسرائیل زیر سؤال می‌رود و این امر آن را وادار به بازنگری در سیاست‌هایش می‌کند.

۲. قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی

قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی فشار بر اسرائیل برای رسیدگی به تخلفاتش را افزایش می‌دهد. از نظر دیپلماتیک، این به معنای بستن سفارتخانه‌ها، اخراج دیپلمات‌های اسرائیلی و تعلیق مشارکت اسرائیل در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل است. از نظر اقتصادی، شامل اعمال تحریم‌های جامع، ممنوعیت تجارت و واگذاری سرمایه‌گذاری از شرکت‌های اسرائیلی، به‌ویژه آن‌هایی که در اشغال دخیل هستند، مانند شرکت‌هایی که در شهرک‌های غیرقانونی فعالیت می‌کنند، می‌شود. جنبش تحریم، واگذاری و تحریم (BDS) در سطح جهانی طرفدارانی پیدا کرده و کشورهایمانند ایرلند و اسپانیا در سال ۲۰۲۴ گام‌هایی برای محدود کردن تجارت با شهرک‌های اسرائیلی برداشته‌اند. یک تحریم اقتصادی گسترده‌تر به اقتصاد اسرائیل ضربه سختی می‌زند — تولید ناخالص داخلی آن در سال ۲۰۲۴ به میزان ۵۴۸ میلیارد دلار به شدت به صادرات، به‌ویژه در فناوری و تسلیحات، به ایالات متحده و اتحادیه اروپا وابسته است.

این اقدامات اسرائیل را در سطح بین‌المللی منزوی می‌کند، مشابه تحریم‌هایی که در دهه ۱۹۸۰ بر آفریقای جنوبی دوران آپارتاید اعمال شد و در نهایت رژیم را مجبور به مذاکره کرد. وابستگی اسرائیل به حمایت بین‌المللی، به‌ویژه از ایالات متحده که سالانه ۳.۸ میلیارد دلار کمک نظامی ارائه می‌دهد، آن را در برابر فشار اقتصادی هماهنگ آسیب‌پذیر می‌کند. اگر ایالات متحده، تحت تأثیر تغییر افکار عمومی (مثلاً نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۲۴ که نشان‌دهنده ۵۵ درصد عدم تأیید اقدامات اسرائیل در غزه است)، حمایت خود را کاهش دهد، اسرائیل مشوق‌های قابل توجهی برای تغییر سیاست‌هایش خواهد داشت.

۳. برچسب زدن به نیروهای دفاعی اسرائیل به‌عنوان سازمان تروریستی

برچسب زدن به نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) به‌عنوان یک سازمان تروریستی، نتیجه طبیعی عدم به رسمیت شناختن اسرائیل خواهد بود. بر اساس تعریف پایگاه داده جهانی تروریسم (GTD)، تروریسم شامل «تهدید یا استفاده واقعی از نیروی غیرقانونی و خشونت توسط یک بازیگر غیردولتی برای دستیابی به یک هدف سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا اجتماعی از طریق ترس، اجبار یا ارباب» است. اگر اسرائیل دیگر یک دولت نباشد، اقدامات نیروهای دفاعی اسرائیل — مانند بمباران اردوگاه چادری رفح در سال ۲۰۲۴ با بمب‌های ۲۰۰۰ پوندی که ده‌ها غیرنظامی آواره را کشت، یا فریب دادن فلسطینی‌های گرسنه به نقاط توزیع کمک قبل از باز کردن آتش — با این تعریف مطابقت دارد. این اقدامات که در حال حاضر به‌عنوان جنایات جنگی ارزیابی می‌شوند، به‌عنوان تروریسم بازطبقه‌بندی می‌شوند و با نحوه برخورد با اقدامات گروه‌هایی مانند داعش یا القاعده هم‌راستا خواهند شد.

پیامدهای حقوقی عمیق هستند. دولت‌ها می‌توانند نیروهای دفاعی اسرائیل را تحت قوانین ملی به‌عنوان سازمان تروریستی معرفی کنند، مانند فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی (FTO) ایالات متحده یا فهرست سیاه تروریستی اتحادیه اروپا، که امکان اعمال تحریم‌ها، توقیف دارایی‌ها و ممنوعیت‌های سفر برای اعضای نیروهای دفاعی اسرائیل و حامیان آن‌ها را فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال، افرادی که به حملات علیه ناوگان آزادی، مانند غرق کردن کشتی‌های حامل فعالانی مانند گرتا تونبرگ، تحریک می‌کنند، می‌توانند تحت قوانینی مانند قانون تروریسم ۲۰۰۶ بریتانیا یا دستورالعمل ۲۰۱۷/۵۴۱ اتحادیه اروپا به اتهام تحریک به تروریسم تحت پیگرد قرار گیرند. این امر همچنین شامل کسانی می‌شود که

حمایت مادی از نیروهای دفاعی اسرائیل ارائه می‌دهند، مانند تأمین‌کنندگان تسلیحات یا اهداکنندگان، تحت چارچوب‌هایی مانند U.S.C. § 2339B 18 در ایالات متحده.

۴. اعمال صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی به دولت‌ها اجازه می‌دهد افراد را به دلیل جرایم بین‌المللی جدی، مانند تروریسم، بدون توجه به محل وقوع جرم یا ملیت مرتکبان، تحت پیگرد قرار دهند. اگر نیروهای دفاعی اسرائیل به‌عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شوند، دولت‌ها می‌توانند صلاحیت جهانی را بر فرماندهان، سربازان و مقامات اسرائیلی که وارد قلمروهایشان می‌شوند، اعمال کنند. به‌عنوان مثال، یک فرمانده مسئول بمباران رفح در سال ۲۰۲۴ می‌تواند در اسپانیا یا بلژیک، که دادگاه‌هایی با سابقه پیگیری چنین پرونده‌هایی دارند (مانند پرونده بلژیک در سال ۲۰۰۱ علیه آریل شارون برای قتل‌عام صبرا و شتیلا)، دستگیر شود.

احکام بازداشت دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۲۴ برای نتانیاهو و گالانت پیشینه‌ای ایجاد کرده‌اند، اما اجرای آن‌ها به دلیل عدم عضویت اسرائیل در دیوان کیفری بین‌المللی و حمایت ایالات متحده با مانع مواجه است. صلاحیت جهانی این موانع را دور می‌زند، زیرا دولت‌های منفرد می‌توانند به‌صورت مستقل عمل کنند. این امر تهدید دائمی دستگیری برای مقامات اسرائیلی که به خارج سفر می‌کنند ایجاد می‌کند و اصل نورنبرگ را تقویت می‌کند که افراد برای جرایم بین‌المللی، حتی در صورت پیروی از دستورات، پاسخگو هستند. این همچنین با نشان دادن اینکه مصونیت دیگر تضمین‌شده نیست، از تخلفات آینده جلوگیری می‌کند.

۵. ایجاد برابری در مذاکرات صلح

یکی از مهم‌ترین نتایج این اقدامات، هموار کردن زمین بازی در مذاکرات صلح اسرائیلی-فلسطینی خواهد بود. در حال حاضر، اسرائیل به‌عنوان یک دولت به رسمیت شناخته‌شده با یک ارتش قدرتمند که توسط ایالات متحده حمایت می‌شود، از موضع قدرت مذاکره می‌کند. فلسطین که توسط ۱۳۹ دولت به رسمیت شناخته شده اما نه توسط قدرت‌های بزرگ غربی، به‌عنوان یک موجودیت غیردولتی تلقی می‌شود و اغلب توسط تشکیلات خودگردان فلسطین (PA) یا حماس، که توسط بسیاری از دولت‌ها به‌عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شده، نمایندگی می‌شود. این عدم تقارن مذاکرات معنادار را تضعیف می‌کند، زیرا اسرائیل فشار کمی برای دادن امتیازات دارد.

عدم به رسمیت شناختن اسرائیل و برچسب زدن به نیروهای دفاعی اسرائیل به‌عنوان یک سازمان تروریستی این پویایی را تغییر می‌دهد. اسرائیل جایگاه دولتی خود را از دست می‌دهد و با نمایندگان فلسطینی در شرایط برابر قرار می‌گیرد. هر دو طرف به‌عنوان بازیگران غیردولتی تلقی می‌شوند، احتمالاً با گروه‌های مسلح (نیروهای دفاعی اسرائیل و حماس) که به‌عنوان سازمان‌های تروریستی معرفی شده‌اند. این برابری حقوقی هر دو طرف را وادار می‌کند بدون عدم تعادل ناشی از جایگاه دولتی مذاکره کنند و اسرائیل را مجبور به رسیدگی به مطالبات اصلی فلسطینیان، مانند حق بازگشت، پایان اشغال و ایجاد یک دولت فلسطینی قابل‌دوام می‌کند.

نمونه‌های تاریخی این رویکرد را تأیید می‌کنند. در دهه ۱۹۹۰، رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی که با انزوای جهانی و تحریم‌ها مواجه بود، مجبور به مذاکره با کنگره ملی آفریقا (ANC)، که پیش‌تر توسط دولت‌های غربی به‌عنوان یک گروه تروریستی معرفی شده بود، شد. در نهایت، برچسب گروه تروریستی از ANC برداشته شد و هر دو طرف به‌عنوان برابر مذاکره کردند.

که به پایان آپارتاید منجر شد. به طور مشابه، عدم به رسمیت شناختن اسرائیل می تواند آن را به تعامل جدی با نمایندگان فلسطینی وادار کند، با آگاهی از اینکه مشروعیت بین المللی — و بقای اقتصادی — آن به یک راه حل عادلانه بستگی دارد.

۶. وادار کردن اسرائیل به دادن امتیازات

برای بازگرداندن به رسمیت شناختن بین المللی، اسرائیل باید امتیازات قابل توجهی بدهد. این امتیازات می توانند شامل موارد زیر باشند:

- **پایان اشغال:** برجیدن شهرک های غیرقانونی در کرانه باختری و خروج از سرزمین های اشغالی، مطابق با حکم دیوان بین المللی دادگستری در سال ۲۰۲۴.
- **توقف عملیات نظامی در غزه:** توقف حملات هوایی، محاصره و سایر اقداماتی که باعث تلفات غیرنظامیان می شوند، مانند عملیات غزه در سال های ۲۰۲۴-۲۰۲۵ که طبق آمار وزارت بهداشت غزه بیش از ۴۵,۰۰۰ فلسطینی را کشت.
- **پاسخگویی برای جنایات جنگی:** همکاری با دیوان کیفری بین المللی و دادگاه های ملی برای پیگرد فرماندهان و مقامات نیروهای دفاعی اسرائیل مسئول جنایات، مانند بمباران رفح یا حملات به کاروان های کمک رسانی.
- **به رسمیت شناختن دولت فلسطین:** حمایت از جایگاه کامل دولتی فلسطین، از جمله کنترل بر بیت المقدس شرقی به عنوان پایتخت، به عنوان پیش شرطی برای به رسمیت شناختن مجدد.

مشوق برای بازگرداندن به رسمیت شناختن عظیم خواهد بود. بدون جایگاه دولتی، اسرائیل دسترسی به تجارت بین المللی، سیستم های مالی و مجامع دیپلماتیک را از دست می دهد. اقتصاد آن که به شدت به صادرات به اتحادیه اروپا و ایالات متحده وابسته است، تحت تحریم های پایدار فرو می پاشد. تهدید صلاحیت جهانی همچنین مقامات اسرائیلی را از سفر به خارج باز می دارد و مشوق های شخصی برای پایبندی ایجاد می کند. دولت ها می توانند مسیر روشنی برای به رسمیت شناختن مجدد ارائه دهند: این امتیازات را اجرا کنید، پایبندی به قوانین بین المللی را نشان دهید و مشروعیت را بازگردانید.

۷. پاسخ به استدلال های مخالف

منتقدان ممکن است استدلال کنند که عدم به رسمیت شناختن اسرائیل خطر تشدید مناقشه را به دنبال دارد، که ممکن است به اقدامات افراطی مانند گزینه شمشون، دکترین ادعایی هسته ای اسرائیل، منجر شود. اگرچه این نگرانی معتبر است، احتمال تشدید هسته ای پایین است — استفاده اسرائیل از سلاح های هسته ای واکنش جهانی را برمی انگیزد، که احتمالاً ایران، پاکستان، چین و روسیه را درگیر می کند و نابودی خود را تضمین می کند. به احتمال زیاد، اسرائیل عملیات متعارف را، همان طور که در سال های ۲۰۲۴-۲۰۲۵ دیده شد، تشدید می کند، اما این می تواند با نیروهای حافظ صلح بین المللی یا تحریم های سخت تر مقابله شود.

نگرانی دیگر این است که این اقدامات ممکن است گروه های فلسطینی مانند حماس را که توسط بسیاری از دولت ها به عنوان گروه تروریستی معرفی شده اند، جسور کند. با این حال، همان طور که قبلاً اشاره شد، ظرفیت حماس برای تشدید محدود است، زیرا به شدت توسط محاصره و عملیات نظامی اسرائیل تضعیف شده است. علاوه بر این، برچسب زدن به نیروهای دفاعی اسرائیل به عنوان یک گروه تروریستی برابری ایجاد می کند و هر دو طرف را به کاهش تنش برای جلوگیری از بی اعتباری متقابل تشویق می کند.

در نهایت، برخی ممکن است استدلال کنند که عدم به رسمیت شناختن اسرائیل ثبات حقوق بین الملل را با سیاسی کردن جایگاه دولتی تضعیف می کند. با این حال، به رسمیت شناختن دولت همیشه یک اقدام سیاسی بوده است، همان طور که در مورد موجودیت های مورد مناقشه مانند کوزوو یا تایوان دیده می شود. استفاده از به رسمیت شناختن به عنوان ابزاری برای اجرای پاسخگویی با اصول عدالت و حقوق بشر که پایه حقوق بین الملل هستند، هم راستا است.

۸. نتیجه گیری

جامعه جهانی وظیفه اخلاقی و حقوقی برای رسیدگی به نقض های سیستماتیک قوانین بین المللی توسط اسرائیل دارد. عدم به رسمیت شناختن اسرائیل به عنوان یک دولت، قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی، برچسب زدن به نیروهای دفاعی اسرائیل به عنوان یک سازمان تروریستی و اعمال صلاحیت جهانی بر جنایتکاران جنگی و تروریست های مظنون، فشار بی سابقه ای برای پاسخگویی ایجاد می کند. این اقدامات نمایندگان اسرائیلی و فلسطینی را وادار به مذاکره به عنوان طرف های برابر می کند، زمین بازی را در مذاکرات صلح هموار می سازد و اسرائیل را مجبور به دادن امتیازات — پایان اشغال، توقف عملیات نظامی و به رسمیت شناختن دولت فلسطین — برای بازگرداندن مشروعیت بین المللی می نماید. اگرچه خطراتی برای تشدید وجود دارد، پتانسیل برای یک صلح عادلانه و پایدار از آن ها پیشی می گیرد. زمان آن فرا رسیده که جهان اقدامات جسورانه ای انجام دهد و اطمینان حاصل کند که عدالت، برابری و حقوق بشر در مناقشه اسرائیلی-فلسطینی غالب شوند.